

برکت چیست و چگونه به دست می آید

رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه ضمن تعریف برکت به عنوان خیر مستمر بی کرانه، توضیح داد که هر چه با خدا نسبت پیدا کند منشأ برکت خواهد شد.



رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه ضمن تعریف برکت به عنوان خیر مستمر بی کرانه، توضیح داد که هر چه با خدا نسبت پیدا کند منشأ برکت خواهد شد.

به گزارش ایکننا، جلسه شرح صحیفه سجادیه با سخنان حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری؛ رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، طبق روال هر هفته، شامگاه دوشنبه ۲۷ آذر در مجموعه فرهنگی سرچشمه برگزار شد که گزیده مباحث آن را در ادامه می خوانید؛

در یک تقسیم انسان ها را می شود پنج گروه معرفی کرد؛ گروه اول کسانی هستند که زندگی شان نکبت است یعنی از زندگی شان دیگران آسیب می بینند، از فکرتشان، از اخلاقشان، از دارایی شان، از مدیریتهان دیگران آسیب می بینند. این تیپ شخصیتی نکبت است. ممکن است کسی در محیط خانواده اینطور باشد یا در محیط اداره اینطور باشد یا حتی برای کل عالم بشریت نکبت باشد. پس گاهی این نکبت یک فرد است، گاهی یک سیستم است، گاهی در یک محدوده اندک است و گاهی در کل نظام زندگی بشر.

گروه دوم کسانی هستند که انگل هستند یعنی زندگی شان بار زندگی دیگران است. مثلاً یک نفر در خانواده هیچ آورده ای ندارد و همه باید کار کنند که ایشان خوش بگذارند. یک گروه سوم هم هستند که بخیل هستند. این گروه سوم نه مثل گروه اول نکبتند و نه مثل گروه دوم انگلند ولی هرچه دارند مال خودشان است و خیرشان به کسی نمی رسد و دایره شان محدود و بسته است. این هر سه اهل جهنم هستند. مورد اول که تکلیفش معلوم است، مورد دوم هم قطعاً مردود است چون بی عاری و بیکاری است، مورد سوم هم صفت پلیدی است. در روایت داریم که سخاوت از بهشت است و بخل از آتش جهنم است. انسان های بخیل هر چه دارند برای خودشان و خانواده خودشان است.

دو گروه دیگر باقی می ماند. گروه چهارم کسانی هستند که هم بهره مند هستند و هم دیگران را بهره مند می کنند یعنی اگر از علمی بهره مند هستند دیگران را بهره مند می کنند، اگر مادی بهره مند هستند دیگران را هم بهره مند می کنند. قرآن کریم از اینها به عنوان کسانی که اهل انفاق هستند یاد می کند چون هم تولید دارند، هم امکانات دارند و هم دیگران را سر سفره خودشان پذیرایی می کنند، گره گشایی می کنند، کار راه می اندازند.

تفاوت ایثار و انفاق

یک گروه دیگر باقی می ماند. گروه پنجم کسانی هستند که برای آسایش دیگران، برای خدمت به دیگران، برای امنیت دیگران خودشان در شرایط سخت قرار می گیرند. این گروه پنجم با کلمه ایثار در قرآن و روایات تعریف شدند. اینها شرایط زندگی خودشان سخت است ولی دیگران را بر خودشان ترجیح می دهند. این گروه نسبت به گروه قبل کمتر هستند ولی اثرگذاری شان خیلی بیشتر است.

این گروه چهارم و پنجم که برگزیده خداوند متعال از میان انسان ها هستند ویژگی شان چیست؟ ویژگی شان این است که شخصیت و سبک زندگی شان با کلیدواژه برکت تعریف می شود. می گوئیم فلانی وجود مبارکی دارد. برکت یعنی چه؟ برکت یعنی خیر مستمر وسیع و گسترده. برخی می خواهد بگویند خیر مساوی با برکت است، می شود این را هم قبول کرد ولی وقتی انسان آیات و روایات را می بیند متوجه می شود که خیر هم باید ثابت و مستمر باشد و هم وسعت داشته باشد.

برکت یعنی خیر مستمر بی کرانه

وقتی خداوند تبارک و تعالی می خواهد خودش را معرفی کند با همین کلیدواژه معرفی می کند: «تبارک الذی بیده الملك». هر چیزی که خدا نسبت پیدا کند خیر مستمر بی کرانه می شود. نمونه های آن در قرآن آمده است. مثلاً قرآن منسوب به حضرت حق است و به مبارک بودن توصیف شده است. چه خیری بالاتر از قرآن است؟ فقط یک آیه آن کافی است که بشریت برای همیشه سر به سجده داشته باشد. این وحی در سلسله نبوی خودش به خاتم رسیده و در محیط خاتم تبدیل به قرآن شده است. این یک مثالش است. گاهی یک خانه برکت است مثل کعبه که در قرآن به عنوان بیت مبارک توصیف شده است. یک مثال دیگرش درخت است. خدا در قرآن سخن از یک شجره مبارکه به میان می آورد. اگر ظاهر آیه منظور باشد درخت زیتون است که خدا در

جای دیگری هم به آن قسم خورده است. اگر باطن آیه منظور باشد شجره آل محمد(ص) است که در جای دیگری به عنوان شجره طیبه از آن نام برده شده است.

پس همه چیزهایی که به خدا نسبت پیدا می کند اینطور است. حتی زمان هم می تواند مبارک باشد مثل شب قدر که قابل مقایسه با هزار شب نیست و قرآن از این شب به عنوان «لیلۀ مبارکه» نام می برد. وقتی نوبت به انسان می رسد آن انسانی که وجودش خیر جامع و مستمر است، یعنی هم اخلاقش خیر است، هم عزتش خیر است، هم دارایی اش خیر است، هم معنویتش خیر است، آن هم خیر وسیع و گسترده، چنین کسی مبارک است. این مرتبه، مرتبه ای است که حضرت عیسی خود را به آن توصیف کرده و خود را «مبارک» نامیده است.

نقطه کانونی بحث ما همین انسان است. وقتی خدا انسان را خلق کرده به لحاظ تکوینی وجود او را از میانی خیر سرشار کرده لذا در آفرینش او خداوند به خودش مبارک باد می گوید. وقتی سیر آفرینش انسان را می گوید در نقطه پایانی به خودش مبارک باد می گوید. معلوم می شود این مخلوق نسبت خاصی با خدای تعالی دارد و در آن نسبت این مخلوق می تواند جلوه برکت باشد چون وجودش می تواند در محور خیر بسط پیدا کند. اساسا خداوند مقصد خلقت را همین نقطه قرار داده است و همین کلمه انسان است که دست خداوند در توزیع خیرات در عالم می شود.